ک . پیکار پامیر

۲۱ جون ۲۰۱۵

وهابیت و تروریسم جهانی

(قسمت دوم)

محمد بن عبدالوهاب دردام وزارت مستعمرات انگلیس

دربخشهای نخستِ این اثرتذکردادیم که محمد بن عبدالوهاب، آنگاه که هنوزطلبهٔ جوانی بیش نبود، درشهربصره با "همفر" آشنا شد و توسط همین جاسوسِ ورزیدهٔ استعمارِانگلیس، درخدمتِ منافع آن کشورقرارگرفت. چون محمد، صاحب کسب و کار دیگری که ازآن طریق رفع مایحتیاج زنده گی اش را بنماید، نداشت، لهذا، تا مدتهای طولانی با جاسوس بریتانیایی در یک اتاق بسر می بُرد و اعاشه و مخارج شباروزی وی بعهدهٔ همان جاسوس بود.

برای آنکه خواننده بتواند به اصلِ حقایق پی بَرَد، اینک گوشه هایی ازکتابِ خاطرات "همفر"، جاسوسِ انگلیس درممالکِ اسلامی آنزمان را که توسط دکترمحسن مؤیدی ترجمه شده و از طرف مؤسسهٔ انتشاراتِ امیرکبیر در سال 1362 درتهران بچاپ رسیده است، در اینجا نقل میکنیم:

" همفر" درمقدمهٔ کتاب خویش چنین مینگارد : " مدتها بود که دولت بریتانیای کبیر، به موضوع نگهداری مستعمرات و پایرجایی امپراتوری عظیم خود می اندیشید. اکنون وسعتِ این امپراتوری تا بدانجا رسید{رسیده} که منظرهٔ طلوع و غروب خورشید را در دریا های آن میتوان دید. با این همه، جزیرهٔ برتانیا درمقایسه با مستعمراتِ بی شمارش، مانند سرزمین های هند، چین، کشورهای خاور میانه و نقاطِ دیگر، بسیار کوچک به نظر میرسد. از سوی دیگر، استعمار انگلیس در همگی این سرزمین ها یکسان نیست و در بعضی ممالک، ظاهراً ادارهٔ امور دردستِ مردم آنجاست، اما سیاستِ فعالِ مستعمراتی، بصورت کامل درآن نقاط اعمال میشود و چیزی نمانده که استقلال ظاهری این کشورها نیز نا بود شود واز هرجهت تابع بریتانیا گردند. بنابراین، برما لازم است که در چگونگی ادارهٔ مستعمرات خود دو باره اندیشه کنیم و مخصوصاً به دو نکته توجه لازم را مبذول داریم :

1- اتخاذِ تدبیری به منظورِ تحکیمِ نفوذِ دولتِ امپراتوری انگلیس درمناطقی که اکنون بصورت کامل مستعمرهٔ این کشورند.
2- تنظیم برنامه هایی برای به چنگ آوردن و در اختیار گرفتنِ سر زمین هایی که هنوز کاملاً در دامِ استعمار نیافتاده اند.

وزارت مستعمراتِ انگلیس برای اجرای برنامه های مذکور، احساسِ ضرورت میکند تا به هر یک از این مناطق، اعم از مستعمره یا نیمه مستعمره، هیأتهایی برای جاسوسی و کسبِ اطلاعاتِ لازم گسیل دارد. خوشبختانه مرا هم که از ابتدای اشتغالم در وزارت مستعمرات، وظیفهٔ خود را بخوبی انجام داده ام، و مخصوصاً درمأموریتِ رسید گی به امور " شرکت هند شرقی " که ظاهراً مسألهٔ بازرگانی، و در باطن جاسوسی بود و به منظورِ شناختِ راه های گوناگونِ نفوذ وسیطرهٔ کامل در سرزمین هند و دست یابی به تصرفِ شبه قاره صورت گرفت، به سبب خوش خدمتی هایم، در وزارت خانه موقعیت خوبی داشتم."

"همفر" به ادامه مینویسد : " ما با وجودی که با بیماردیگری، یعنی دولت عثمانی، چندین قرار داد به سودِ خود امضا کرده بودیم، اما پیش بینی کارشناسانِ وزارت مستعمرات آن بود که این امپراتوری درکمتر از یک قرن، به کُلی سقوط خواهد کرد. ما همچنین با دولتِ ایران قرار داد های سِری متعددی امضا کرده بودیم و جاسوس ها و

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

مأمورانِ ما درممالکِ اسلامی زیرِ نفوذِ عثمانی ها و در ایران همچنان به کارِ خود سر گرم بودند و با این که در راه هدف های دولت انگلیس موفقیت هایی بدست آورده بودند و در ترویجِ فسادِ اداری و رشوه خواری، بنیان این حکومت ها را بیش از پیش متزلزل ساخته بودند؛ اما به دلایلی اشاره خواهیم کرد که از نتایجِ ضعفِ حکومت های عثمانی و ایران به سود خود، چندان مطمئن نبودیم..."

"همفر" چنین ادامه میدهد: " درسال 1710 میلادی، وزارت مستعمرات انگلستان، مرا مأمور جاسوسی به کشور های مصر، عراق، ایران، حجاز و قسطنطنیه، مرکزِ خلافتِ عثمانی نمود. مأموریت من، جمع آوری اطلاعاتِ کافی به منظورِ جُست وجوی راه های درهم شکستنِ مسلمانان و نفوذِ استعماری در ممالک اسلامی بود. هم زمان با من، نُه نفرجاسوسِ دیگر، از بهترین و ورزیده ترین مأمورانِ وزارت مستعمرات، درممالک اسلامی، اینگونه مأموریت ها را بر عهده داشتند. در راه فراهم ساختنِ موجباتِ تسلطِ استعماری انگلیس و تحکیمِ مواضع آن دولت در نقاطِ استعمارشده، فعالیت میکردند. اعتبارِمالی کافی در اختیاراین هیأتها قرارداشت و به نقشه های دقیق و اطلاعاتِ دستِ اول مجهز بودند. فهرستِ کاملِ نامِ وزرا، فرمانروایان، مأموران عالیرتبه، علما و رؤسای قبایل به آنها داده شده بود. .."

این جاسوسِ ورزیدهٔ استعمارِانگلیس، درجایی ازکتابِ خاطراتِ خویش مینویسد که در دفعهٔ دوم سفر به کشورهای اسلامی و قبل ازترکِ لندن، معاونِ وزارتِ مستعمرات خطاب بمن گفت : " موضوع مهم برای تو در مأموریت آینده دو نکته است :

1. یافتنِ نقاطِ ضعفِ مسلمانان که ما را در نفوذ به آنها و ایجادِ تفرقه و اختلاف بین گروه ها موفق کند؛ زیراعاملِ پیروزی ما بردشمن، شناختِ این مسایل است.
2. پس از شناختِ نقاطِ ضعف، اقدام به ایجادِ تفرقه و اختلاف ضروری است. هرگاه در این کارِ مهم توانایی لازم از خود نشان دهی، باید مطمئن باشی که در شمارِ بهترین جاسوسانِ انگلیس و شایستهٔ نشانِ افتخار خواهی بود. . . اگربتوانی در قسمت هایی از ممالکِ اسلامی جنگ شیعه و سنی راه بیندازی، بزرگترین خدمت را به بریتانیای کبیر کرده ای !"

" همفر " پس از شرح و بستِ مربوط به آموزشِ زبان و قرآن درمساجد و مدارسِ تحت قلمرو امپراتوری عثمانی، جریانِ مسافرتها و تحملِ مشقاتِ ناشی ازکارجاسوسی خویش، چنین مینگارد : " درایامی که در نجاری کار میکردم با جوانی آشنا شدم که به آنجا رفت و آمد داشت و به سه زبان ترکی، فارسی و عربی آشنا بود. او درلباسِ طلابِ علومِ دینی و نامش محمد بن عبدالوهاب بود. جوانی جاه طلب، بلند پرواز و بی نهایت عصبی مزاج. او از حکومتِ عثمانی بی اندازه متنفر بود و بد گویی میکرد... پس از مدتی آشنایی و مراوده با محمد بن عبدالوهاب، بدین نتیجه رسیدم که فردِ شایسته برای اجرای مقاصدِ بریتانیا در منطقه، شخص او میتواند بود. روحِ بلند پروازی، غرور، جاه طلبی و دشمنی با علما و مراجع اسلام، خود کامگی تا آن مرحله که حتی خلفای راشیدین را هم مورد انتقاد قرار میداد، برداشت او از قرآن و حدیث که تفاوت آشکار با واقعیت داشت، بزرگترین نقطهٔ ضعفِ او بود که میتوانست مورد استفاده قرار گیرد... به هرحال، من با محمد گرم گرفتم و تدریجاً دوستی پا برجایی میان ما برقرارگردید. من پیوسته درگوشِ او فرو میخواندم که خداوند تو را ازموهبتِ نبوغ و قریحه ای بهره مند ساخته که به مراتب از علی و عمر بیشتراست. به او میگفتم اگرتو درزمان پیامبر می بودی، یقیناً به جانشینی او انتخاب میشدی. من دایماً با لحن آرومندانه ای او را مخاطب قرار میدادم که امید وارم تحولی که به زودی باید در دین اسلام پدید آید، به دستِ تو صورت گیرد؛ زیرا تو تنها نجات دهنده ی اسلام از این انحطاط خواهی بود. همه به تو امید بسته اند تا مگراسلام را از سقوط رهایی بخشی..."

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکي په ځیر و لولـئ

همفر جاسوس انگلیس در عربستا ن

آری ! همین تلاشها و تلقینات ِجاسوس استعمارانگلیس بود که محمد بن عبدالوهاب را قدم به قدم تشجیع میکرد تا درکارِتکفیر و تخریبِ به اصطلاح مشرکین و منحرفینِ اسلامی و همچنان به تبلیغ و ترویجِ عریان تر و جدی تر اندیشه های رجعتگرایانه، مخالفت با حکامِ امپراتوری عثمانی، خصومت ورزی با اهل تشیع وبذرتخمِ انشقاق میان مذاهبِ مختلفِ اسلامی اش را به پیش بَرد. تحت تأثیرِ چنین افسونگریهای استعماری بود که محمد، بیشتر از پیش به افکار و اندیشه های ابن تیمیه (متوفی درسال 728هجری) وشاگردِ وی ابن قیم الجوزیه (متوفی درسال 751 هجری) و نیز، سلفِ آنها احمد بن حنبل (متوفی درسال 241 هجری) توجه کند و با الهام گیری ازآنها، کتبِ " کشف الشبهات "، " الاصول الثلاثه" و " مجموعه الحدیث النجدیه" را بنویسد و از آن طریق، خطاب به اهالی نجد بگوید که شما را به سوی توحید و یکتاپرستی فرا میخوانم و میخواهم شِرک را کاملاً کنار گذارید. درحالیکه نه تنها اهالی نجد و سراسرقلمرو عربستان، بلکه ساکنان تمام کشورهای اسلامی، یکتا پرست و پیرو قرآن و شرع بودند.

احمد بن حنبل (780-855 میلادی)

باید متذکرشد که ابو عبدالله احمد بن حنبل، اززمرهٔ مشهور ترین علمای اسلامی و پیشوای اصحابِ حدیث بود. چنانکه کتبِ " المسند"، " التفسیر" ، " الناسخ" ، " المنسوخ" ، " حدیث شیعه"، " المصدر" وغیره را از خود بجا گذاشت. وی درکتاب " المسند" خویش، سی هزار حدیث را ازقولِ نزدیکترین صحابهٔ پیامبراسلام گِردآوری نمود. گفته شده که احمد بن حنبل، شخصاً بخاطر ایجادِ مذهب منسوب بخود، تلاش بخرچ نداد، ولی شاگردانش پس ازوفاتِ وی، تلاش و تبلیغ بسیاری نمودند تا استادِ شان (بن حنبل) نزد اهلِ سنت به شهرت رسید و راه و رسم اعتقادی اش به مثابهٔ یکی ازمذاهب ِ اربعهٔ (حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی) پذیرفته شد. پایه های اندیشهٔ مذهبی وی راقشری گری، پرداختن به ظواهر، ردِ هرنوع تأویل، تفسیر و نو آوری درامورِدینی واسلامی، جمودفکری و تحجرتشکیل میداد؛ آنچه پیرامونِ اندیشه های ابن حنبل گفتنی است، اینست که هرچند در روزگارِخود، بمثابهٔ یکی ازعلمای جید اسلامی شناخته شد و شاگردانِ زیادی مانند ابو داوود سجستانی، محمد بن اسماعیل بخاری، مسلم بن

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکي په ځیر و لولئ

حجاج، ابو علی موصلی و غیره را پرورید، اما مذهبی را که برای مسلمانان پیشکش نمود، پیروانِ بزرگی نیافت ونسبت به مذاهب شناخته شدهٔ دیگر، درمحدوده باقی ماند.

ابن تیمیه (1263-1328 میلادی)

ابن تیمیه نیز، با آنکه یکی از علمای برجستهٔ فقه حنبلی بود و اما، اندیشه هایش تا مدتها نتوانست جامهٔ یک مذهبِ پایدار وسراسری را به تن کند. اعتقادات او را عمدتاً این موضوعات تشکیل میدادند :

- ردِ زیارتِ قبور
- مخالفت با موجودیتِ آرامگاهِ بزرگان دینی
- ممانعت ازگنبد سازی بالای قبور
- ردِ توسل به پیامبرِاسلام و ائمه وشفاعت خواهی ازآنها
- مخالفت بامدد خواهی ازازپیشوایان دینی و مذهبی (مرده یا زنده)
- ممانعت ازپرداختن به علمِ کلام
- خصومت با عقل و خردِ انسان
- دشمنی با فلسفه، تصوف و خانقاه
- ضدیت با اعتقاداتِ اهل تشیع
- پذیرشِ تنها ظواهرِ آیات و احادیث
- اعتقاد به رویت خدا درآخرت و برگشت به سلف صالح .

وفشردهٔ دستوراتِ اعتقادی ابن تیمیه راچنین آورده اند:

اول) هیچ فردِنیکوکار یا دوستی از دوستانِ خدا را نباید وسیله ای برای نزدیک شدن به خداوند قرارداد

دوم) به هیچ زنده یا مرده ای نباید پناه برُد و نباید از هیچ کس یاری خواست

سوم) به قبرِ هیچ پیغمبر یا فردِ نیکو کاری نباید تبرُک جُست و نباید تعظیم کرد.

با آنکه نظریات و اعتقاداتِ ابن تیمیه، حدود پنجصد سالِ دیگرتنها درلابه لای کتب و رسالات محصورمانده و به فراموشی سپرده شده بود، مگر محمد بن عبدالوهاب، افکار و اندیشه های او را بازجُست و با برداشت و آموزه هایی ازاعتقادات و فرمایشاتِ او و سلفش (احمد بن حنبل)، این دو عالم قشری اسلام، با تشویق، ترغیب و حمایت های مالی و فکری اجنت های استعمارانگلیس و حس قوی خود خواهی وجاه طلبی، بالاخره، دعوت خود به مذهب جدیدِ سلفیه (وهابیت) را آشکار نمود.

"همفر" جاسوس استعماربرتانوی دربخشهای پایانی کتابِ خاطراتِ خویش چنین مینگارد : " . .. قرار گذاشتیم من خود را بَرده ای به نامِ عبدالله معرفی کنم که شیخ { محمد بن عبدالوهاب } از بَرده فروشان خریده و اینک بدو پیوسته ام. شیخ نیز شهرت داده بود که مرا در شهر بصره خریده و برای انجامِ کار های او، مدتی درآن شهر بوده و اینک به نجد آمده ام. ساکنانِ نجد مرا به عنوان بَرده ی شیخ محمد بن عبدالوهاب میشناختند. باید اضافه کنم که مدت دو سال ما، درآن نقطه مشغولِ تهیهٔ مقدمات و فراهم ساختنِ تمهیداتِ خروجِ شیخ و اعلامِ دعوتِ او بودیم. دراواسطِ سالِ 1143 هجری، محمد بن عبدالوهاب تصمیم قطعی خود را برای اعلام دعوت آیینِ تازه در جزیره العرب گرفت و دوستانی را که با او هم عقیده بوده و وعدهٔ همکاری داده بودند، فرا خواند. نخست، اظهارِ دعوت با کلماتی مبهم و عباراتی مؤجز و نا رسا، همانگونه که انتظار میرفت و منحصراً خطاب به خواصِ اصحاب و مریدان، انجام میگرفت. ولی پس از چندی، دعوت نامه هایی برای طبقاتِ مختلفِ مردمِ نجد فرستاده شد و تدریجاً

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکي په ځیر و لولـئ

توانستیم با پرداختِ پول، جمعیت زیادی را در اطرافِ شیخ و به حمایت از افکارِ او گِرد آوریم و با تبلیغاتی، این عده را در تصمیم خود به مبارزه با دشمنانِ شیخ، راسخ تر سازیم."

بازاین جاسوس انگلیسی می افزاید : " پس از چندین سال که دعوتِ محمد بن عبدالوهاب و انتشارِ مذهب او، مطابق برنامهٔ شش ماده ای، قرین موفقیت هایی گردید، وزارت مستعمرات تصمیم گرفت از نظرِ سیاسی هم در جزیره العرب دست به کار شود. این بود که یکی از عُمال خود به نام محمد ابن سعود را به همکاری با محمد بن عبدالوهاب مأموریت داد و برای این منظور، محرمانه نماینده ای نزد محمد بن عبدالوهاب فرستاد تا هدف بریتانیای کبیر را برای او روشن سازد و بر لزومِ همکاری و اشتراکِ مساعی "محمدین " (دومحمد) تأکید کند، از اینقراراکه حل و فصلِ امورِ دینی به طور کلُی با محمد بن عبدالوهاب باشد و مسوولیتِ سیاسی با محمد ابن سعود. درآن روزگار، هدفِ وزارت مستعمراتِ انگلیس، نفوذ و استیلای دو گانه بر قلوب و اجسام و تن و جانِ مسلمین بود. با این که به شهادتِ تاریخ، حکومت های دینی با دوام تر و نیرومند تر از حاکمیت های سیاسی بوده اند. "

برای آنکه خوانندهٔ عزیز" برنامهٔ شش ماده **ای** " استعمارِ انگلیس درعربستان و کشورهای اسلامی را بهتر بداند، اینک آنرا از صفحهٔ (59) خاطرات ترجمه شدهٔ " همفر " در اینجا نقل میکنیم :

1. فیرِ همگی مسلمانانی که به مذهبِ او نپیوندند، روا دانستنِ کشتار و غارت و تجاوز به نوامیسِ ایشان، اجازهٔ فروشِ مخالفانی که اسیر میشوند بعنوان بَرده و کنیز در بازار های بَرده فروشان .
2. درصورتِ امکان، انهدامِ بنای کعبه، به بهانهٔ محو آثارِ بت پرستی، ممانعتِ مسلمین ازانجامِ فریضهٔ حج و تحریکِ قبایلِ عرب به غارتِ اموالِ حاجیان و کشتنِ ایشان.
3. تشویقِ قبایلِ عرب به یاغی گری و سرپیچی از دستوراتِ خلیفه (امپراتورعثمانی)، برانگیختنِ احساساتِ قومی و زبانی عشایر و افرادِ ناراضی به جنگ با حکومت عثمانی، و تشکیلِ سپاهی مجهز برای اینکار و نیز درگیری با اشرافِ حجاز با استفاده از کلیهٔ وسایلِ ممکن، به منظورِ کاستن از نفوذ و احترامِ ایشان.
4. ویران ساختنِ مقبره ها و زیارتگاه های مسلمین درمکه، مدینه و شهر های دیگر به بهانهٔ مبارزه با رسوم و عاداتِ بت پرستی وشرک به خدا و بعنوان جلو گیری از اهانت به شخصیتِ محمد و جانشینانِ او به طور کلی بر گزُیده گان وعلمای اسلام تا آنجا که میسر است.
5. گسترشِ نا امنی، فتنه و آشوب و هرج و مرج در بلادِ اسلامی، تا آنجا که ممکن است.
6. چاپ و انتشارِ قرآنِ جدید با کم و زیاد کردنِ آیات و سوره ها بر مبنای احادیث و اخباری که دلالت بر افزایش و کمبودِ قرآن موجود میکند.

جاسوسِ انگلیس علاوه میکند که محمد بن عبدالوهاب، عمل کردن به چهارماده از شش مادهٔ تعیین شده ازسوی وزارتِ مستعمرات انگلیس را پذیرفت، ولی دو مادهٔ این برنامه را که یکی ویران سازی کعبه و دیگری نوشتنِ قرآنِ جدید و تحریفِ آن بود، روی ملحوظاتِ جهانی ناشی از واکنش مسلمانان دنیا نپذیرفت.

تاریخِ کوتاهِ وهابیت بیان میدارد که محمد بن عبدالوهاب درسال 1157 هجری قمری وارد شهر" دُرعیه " شد و به اساسِ تمهیداتِ قبلی جواسیسِ انگلیس، دعوتِ خود را با محمد بن سعود (حاکم دُرعیه) درمیان گذاشت و این دعوت مورد پذیرشِ حاکمِ مذکور قرارگرفت. متعاقباً، محمد بن سعود، دخترِ محمد بن عبدالوهاب را برای پسرش (عبدالعزیز) ممزوج میکند و انجامِ اینکار، پیوندِ سیاسی – مذهبی یی را که موردِ خواستِ وزارتِ مستعمراتِ انگلیس بود، میان آندو مستحکم ترمیسازد و برای نخستین بار، به بهانهٔ مبارزه علیه کفر و الحاد، حکومتِ وهابی آل سعود و مذهبِ وهابی پی ریزی میگردد.

دلیلِ عمدهٔ این اتحاد و ازدواج و این برنامهٔ وسیع و خطرناکِ استعمارِ انگلیس درخاکِ عربستان و در کُل خاور میانه اینها بودند :

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

چنانکه مسترهمفر جاسوس انگلیس طی نگارش خاطرات خویش نیز افشا میکند، امپراتوری عثمانی، نه تنها ازنظرِقدرتِ نظامی، حیثیتِ سد سکندردربرابرِ پیشروی ها و اشغالگریهای استعمارِبریتانیای کبیردربراعظمِ آسیا و خاور میانه را داشت، بلکه از نظرِعقیدتی نیز بعنوانِ خلافتِ اسلامی، ملیونها مسلمانِ جهان و سرزمین های وسیع بین النهرین ازمرکزِ خلافت فرمان می بُردند. یا بعبارهٔ دیگر، وجودِ خلیفه، حاکمیتِ نظام خلافتی واعتقادِ راسخِ مسلمانان بدان، بزرگترین و مؤثرترین نیرو و وسیلهٔ اتحادِ مسلمانان شناخته میشد. بنابرآن، امپراتوری مذکوربا آنکه باساس برنامه های خصمانهٔ رقبای بزرگ خویش (روس و انگلیس) عمداً با جنگهای دایمی درنقاطِ مختلف مصروف ساخته شده بود، انگلیسها میخواستند، با تحریکِ احساساتِ پیروانِ اسلام و اتباعِ امپراتوری عثمانی، یعنی با تنش از درون و هجوم از بیرون، آنرا معناً هم به فتور مواجه ساخته و عاقبت، متلاشی اش سازند.

وبخشِ دیگرِ برنامه های استعمارِ بریتانیای کبیرعلیه امپراتوری عثمانی را نفوذ در اندرونِ دربار وحرمسرای خلفا وارکانِ دولتِ وی تشکیل میداد تا بدین وسیله، فضای ترس و بی اعتمادی، فسادِ مالی و اداری، کارشکنی، نارضایتی و سؤ تفاهم را میان کارمندانِ خلافتِ اسلامی ازیکطرف و امتِ اسلامی از سوی دیگر ایجاد نمایند.

باید تذکرداد که محمد بن عبدالوهاب، قبل ازآنکه توجه محمد بن سعود را جلب نماید، آنگاه که پیش ازآن به شهر "عُیینه " رفته بود، تمایلِ عثمان بن احمد بن معمر امیرآن شهررا درقبالِ اندیشه و افکارِخشونت بارِخویش برانیگخت و حتا خواهرِ امیرِ مذکور را به زنی گرفت، ولی چون این شیخِ بد کردار در پناهِ حمایت های امیرعثمان، دست به تخریبِ قبورو زیارتگاه ها وسایرِ ابنیهٔ اسلامی زد، بنابرآن، به واکنشها و اعتراضاتِ وسیع علمای دینی و اهالی آنجا مواجه گردید و عثمان بن معمر نا گزیرشد محمد را از آنجا براند تا آنکه عاقبت، با همآغوشی و هم پیمانی با محمد بن سعود، توانست برنامه های آینده اش را جامهٔ عمل بپوشاند.

پس، محمد بن عبدالوهاب با همکاری آلِ سعود و آمیختنِ سیاست با مذهب، ظرف پنجاه سال (از1157 تا 1257 هجری قمری)، ظاهراً تحتِ شعارِ مبارزه با شرک و برگشت به اصلِ اسلام، چنان جنگهایی را در شهرِ نجد و ریاض و حجاز و اطرافِ آن به راه انداخت که دراثرآن، هزاران نفر مسلمان اعم از زنان و مردان و کودکان، غرق درخون خویش گشتند، هزاران نفردیگر به اسارت و کنیزی و غلامی رفتند ومال و مکنتِ فراوانی توسط شمشیرزنانِ متعصبِ او غارت گردید و ویرانی های بیشماری بارآمد.

انگلیسها دربخشِ مناطقِ عربی، به تحریکِ احساساتِ نژادی و ناسیونالیستی اعرابِ مسلمان و احیای غرورِ دورانِ فتوحاتِ اسلامی آنها پرداخت تا سرزمین های تحتِ قلمرو امپراتوری عثمانی مانند عربستان، یمن، شام، عراق، فلسطین و نواحی خلیجِ فارس را ازپیکرِ امپراتوری مذکور جدا ساخته و امرای دست نشانده، بیرحم، و بی تقوا را در رأس هرخطهٔ جدا شده بگمارد و آنها را مطابق به خواست و منافعِ استعماری بریتانیای کبیرمورد استفاده قراردهد. چنانکه پس ازحصولِ پیروزی استعمارِ اروپایی برامپراتوری عثمانی و سقوطِ کامل امپراتوری مذکور درسال 1924میلادی، دوکشوراستعماری (فرانسه و انگلیس) قراردادی را بنام " سایکس پیکو" درسال 1916 میلادی به امضا رسا نیدند که باساس آن، مرز های امپراتوری عثمانی شکسته شد و استعمارگرانِ اروپایی جغرافیای خاور میانه را از نو مهندسی نمودند که ایجاد کشور های جدیدی بنام سوریه، لبنان، عراق، عربستان سعودی، اردن، کویت و پسانتر اسراییل، حاصلِ همین مهندسی استعماری بود. ایجادِ انجمن های متعددِ یهودی – مسیحی و به براه اندازی نشرات و تبلیغاتِ وسیع، آنهم به زبانِ عربی در جهتِ تضعیفِ وحدتِ مسلمانان و تأسیسِ اسراییل درقلبِ کشورهای عربی و کناربحیرهٔ

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکي په ځیر و لولئ

مدیترانه نیز از زمرهٔ آنهمه اقدامات و فعالیتهای استعمار اروپایی، بخصوص پس ازسقوطِ امپراتوری عثمانی بود. درآن زمان، علاوه از اشغالگری سر زمین های خاور میانه، بوی نفت و گاز نیز ازدلِ صحرا های این مناطق، به مشامِ تئوریسن های استعمار اروپایی رسیده بود، بنا برآن، با به راه اندازی تلاشها و تمهیداتِ استعماری، میخواستند علاوه از ابحار و قاره های جهان، به دریای نفت و گاز دراین بخش ازکشورهای عربی واسلامی نیز دسترسی یابند. باید متذکر شد که امپراتوری عثمانی که مؤسسِ آن، سلطان عثمان اول فرزند ارطغرل بود، جمعاً از سال 1299 تا 1922 میلادی (ششصد سال) دوام نمود و قلمرو آن، بخشهایی ازاروپا، آسیا، افریقا و کشورهای عربی (شام – مصر- عراق و عربستان) را دربرمیگرفت. البته امپراتوری مذکور دارای تاریخ پرُ فرود و فرازِ حدود ششصد ساله است که مقدور نیست به همه یا حتا بخشی از آن در اینجا بپردازیم. لهذا به همین تذکرمختصراکتفا مینماییم.

(ادامه دارد)

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکي په ځیر و لولـئ